

نوروز و ادبیات شفاهی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

محمد جعفری (قنواتی)

اساس تقویم قمری برگزار می‌شوند. دسته‌های اخیر منبعث از اعتقادات و باورهای اسلامی مردم ما هستند. البته مراسم و آیین‌های این دو بخش، آمیختگی‌های فراوانی با هم دارند و از همدیگر تأثیرات بسیاری پذیرفته‌اند. در مثل، نوروز به‌رغم آن‌که بر اساس تقویم خورشیدی برگزار می‌شود و خاستگاهی اساطیری دارد اما پس از اسلام آوردن ایرانیان، تأثیرات فراوانی از این دین پذیرفته است. دعای تحویل سال و قرار دادن قرآن، مهر و جانماز در سفره نوروزی از این‌گونه تأثیرات هستند. تأثیر برخی سنت‌های پیش اسلامی بر بعضی از آیین‌های مذهبی مردم ما، مانند تأثیرات آیین سوگ سیاوش بر شکل‌گیری تعزیه و تعزیه‌خوانی را نیز باید نتیجه همین تعامل مثبت دانست.

یکی از اجزای مهم فولکلور هر قوم و ملتی، فولکلور موسمی و فصلی یا فولکلور تقویمی است. منظور از فولکلور موسمی یا تقویمی آن دسته از آداب، آیین‌ها، مراسم و باورهایی است که در موسم، فصل و روزهای معینی از سال برگزار می‌شود. این بخش از فولکلور یکی از منابع مهم ادبیات شفاهی است. البته به تصریح و تأکید باید گفت که این ادبیات را نمی‌توان به صورت تجریدی و جدا از متن، یعنی مراسم و آیین‌های مربوط به آن، مورد بررسی قرار داد. فولکلور موسمی یا تقویمی ایران بسیار غنی و گسترده بوده و شامل دو بخش است؛ یکی، آن دسته از مراسم و آیین‌هایی که براساس تاریخ خورشیدی برگزار می‌شوند و ریشه در فرهنگ و تاریخ پیش از اسلام ایرانیان دارد و دوم مراسم، آداب و آیین‌هایی که بر

تقریباً همهٔ ایرانیان، جدا از وابستگی‌های قومی، زبانی و دینی، نوروز را جشن می‌گیرند و گرامی می‌دارند، به همین دلیل می‌توان گفت این آیین امروزه به یکی از نموده‌های وحدت ایرانیان تبدیل شده است

نوروز و ادبیات شفاهی

یکی از مهم‌ترین اجزای فولکلور موسمی ایرانیان جشن دیرین سال نوروز است. تقریباً همهٔ ایرانیان، جدا از وابستگی‌های قومی، زبانی و دینی، نوروز را جشن می‌گیرند و گرامی می‌دارند، به همین دلیل می‌توان گفت این آیین امروزه به یکی از نموده‌های وحدت ایرانیان تبدیل شده است. نوروز اگرچه به روز اول سال اطلاق می‌شود، اما مراسم آن فقط به این روز محدود نمی‌شود بلکه تدارک و پیشواز آن و سپس مراسم بعد از آن مجموعهٔ پیوسته‌ای را تشکیل می‌دهند که هر یک از آنها اهمیت ویژه‌ای دارند. در این مجموعه چند گونهٔ (gener) متفاوت از ادبیات شفاهی وجود دارد که از جملهٔ آنها می‌توان به گونه‌های دعا، مثل، افسانه و سرود اشاره نمود.

قصه‌ها، افسانه‌ها، مثل‌ها و شعرهای فراوانی در ارتباط با مراسم و آیین‌های نوروز در میان مردم ما رایج است که متأسفانه تاکنون همهٔ آنها ثبت و ضبط نشده است. نگارنده در این نوشتهٔ کوتاه قصد بحث پیرامون همهٔ این انواع و نمونه‌ها را ندارد زیرا این کار مجال و مقال دیگری می‌طلبد، از این رو فقط به شرح یک نمونه از سرودهای نوروزی می‌پردازد. آنچه در سطور زیر شرح و نقل خواهد شد، سرودی است که کودکان مکتبخانه‌ای برای گرفتن عیدی از پدر، مادر، برادر و سایر بستگان خویش می‌خوانده‌اند. همان‌گونه که می‌دانیم پیش از تأسیس مدرسه‌های جدید در ایران، مکتبخانه‌های سنتی عهده‌دار آموزش کودکان و نوجوانان بودند. حتی پس از تأسیس و گسترش این مدرسه‌ها، تا مدت‌ها، مکتبخانه‌ها در کنار آن مدارس به کار خود ادامه می‌دادند. حقوق معلمان مکتبخانه‌ها بر عهدهٔ خانواده‌هایی بود که کودکان آنها به مکتب می‌رفتند. این حقوق به صورت ماهانه یا یکجا و به هنگام برداشت محصول پرداخت می‌گردید. در مثل در کوهپایه ساوه این حقوق معمولاً سالیانه و در سر خرمن و با محصولاتی مانند گندم، جو و حبوبات پرداخت می‌شد^۱ و در شاهرود به صورت نقدی و ماهانه پرداخت می‌گردید^۲. علاوه بر این، خانواده‌ها به مناسبت‌های مختلف و متناسب با توان اقتصادی خود مقداری پول یا اجناسی مانند قند، چای، گردو، کشمش، تخم‌مرغ و ... برای معلم می‌فرستادند^۳.

یکی از مناسبت‌ها عید نوروز بود. معلمان مکتب، پیش از نوروز

شعری را روی لوحه‌های درسی بچه‌ها می‌نوشتند و از آنها می‌خواستند که در روز عید ضمن خواندن آن شعر برای پدر، مادر و سایر بستگان خویش از آنها برای معلم خود عیدی بگیرند. از این شعر چند روایت متفاوت در ایران و سایر کشورهای فارسی زبان وجود دارد. این بنده نیز دو روایت از آن را در اختیار دارد. برای دستیابی به یکی از این روایت‌ها مدیون هم‌ولایتی و استاد ارجمند آقای دکتر ابراهیم قیصری هستم. استاد سال گذشته مجموعه‌ای دست‌نویس در اختیار بنده گذاشت که آن را سال‌ها پیش از مکتبخانهٔ روستای «بولواس»، از توابع شهرستان باغ ملک خوزستان، به دست آورده بود. در این مجموعه که درحقیقت کتاب آموزشی مکتبخانهٔ مذکور بوده است، روایتی از شعر مورد بحث وجود دارد.

این شعر، در همهٔ روایت‌های خود، از نظر قالب نوعی مسمط است که به آن مسمطالمختصر می‌گویند، همان‌گونه که می‌دانیم مسمطالمختصر به شعری گفته می‌شود که «شاعر هر بیت آن را چهار قسم کند، سه قسم اول آن را مسجع آورد و در قسم چهارم، کلمه‌ای چند را ردیف سازد»^۴.

در سطور زیر ابتدا روایت روستای «بولواس» از نظر خوانندگان ارجمند می‌گذرد، سپس روایت‌های دیگر نقل می‌شوند:

نوروز شد نوروز شد

عید جهان امروز شد

بابا بده نوروزی‌ام

نوروز نو باز آمده

کار جهان ساز آمده

قمری به پرواز آمده

بابا بده نوروزی‌ام

بابا سلامت می‌کنم

وصف کلامت می‌کنم

خود را غلامت می‌کنم

بابا بده نوروزی‌ام

مادر تو بودی مهربان

چیزی بیاور بهرمان

یا پنج هزار یک تومان

مادر بده نوروزی‌ام

ای خواهر جان جهان



اکنون به روایت دیگری از این شعر توجه فرمائید:

نوروز شد نوروز شد

عید همه امروز شد

گل در چمن فیروز شد

بابا بده نوروزی ام

بابا تویی تاج سرم

عیدی بیاور در برم

تا بهر استادم برم

بابا بده نوروزی ام

مادر تو زادی بچه را

بگشا در صندوقچه را

آنکا بده عنبر چه را

مادر بده نوروزی ام

ای خواهر شیرین زبان

دستت بکن در جیب میان

ما را به زودی کن روان

خواهر بده نوروزی ام

ای عموی نیکو سرشت

جای تو باشد در بهشت

استاد من عید نوشت

عمو بده نوروزی ام

این شعر با تفاوت‌هایی در افغانستان نیز ثبت شده است که برای

مزید آگاهی خوانندگان، قسمت‌هایی از روایت هم‌زبانان افغانستانی

را نقل می‌کنیم:

امروز شدیم مهمانتان
دستی بکن تو بوشخدان^۵

خواهر بده نوروزی ام

داماد من خود بهتری
از جان من شیرین‌تری
یا خر بده یا کر خری

داماد بده نوروزی ام

ای کاکای دایم عزیز
دایم تو باشی با تمیز
بهرم بده چیزی لذیذ^۶

کاکا بده نوروزی ام

یا میش کر کالم بده
یا قوچ پروالم^۷ بده
یا زر به منقالم بده

کاکا بده نوروزی ام

عمو تو بودی سرورم
خاک درت تاج سرم
عیدی بیاور از برم

عمو بده نوروزی ام

سر بدارم مکنید
کتک بکارم مکنید
بی‌اعتبارم مکنید
چوب دچارم مکنید

بابا بده نوروزی ام